زاویه دید

کارکرد بازنمایی رنگین‌کمان اقوام در صداوسیما

حسین سلطان‌محمدی
کارشناس رسانه و منتقد سینما و تلویزیون



بعد از پخش مجموعه «سوران» با قصه‌ای واقعی در دل کردستان، پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما خبر داد که یک سریال دیگر با محوریت قهرمانی از قوم کرد نیز در آینده پخش خواهد شد. حسین سلطان‌محمدی، کارشناس رسانه و منتقد سینما و تلویزیون نظر خودش را در رابطه با بازنمایی اقوام در صداوسیما در اختیار «قاب کوچک» قرار داد که می‌خوانید.

رسانه ملی یعنی بازتاب همه ایران. ایران کشوری است که تشکیل شده از اقوام و طوایف گوناگون. درست است که در صداوسیما هر استانی شبکه مختص خودش را دارد اما وقتی درباره شبکه‌های سراسری صحبت می‌کنیم، یعنی این‌که باید تلاش شود تا همه اقوام در آنها دیده شوند. این کمک می‌کند تا مخاطب و همه مردم سهم خودشان را در تصویر رسانه ملی ببینند.

یکی از نکات مهم درباره راهپیمایی اربعین هم این است که ظاهرا یک آیین متعلق به شیعیان است اما می‌بینیم هموطنان اهل سنت کرد و آذری ما در برخی گذرگاه‌های مرزی، به پذیرایی از زائران مشغول هستند. یعنی اقوام ما هم رفتارهای محلی دارند و هم رفتارهای ملی. هم زیبایی‌های خاص خودشان را دارند و هم در طول تاریخ با مشکلاتی مثل گروهک‌های تروریستی مواجه شده‌اند.

صداوسیما باید به همه این جنبه‌ها بپردازد. طی سال‌های اخیر هم دیده‌ایم که این اتفاق درباره قوم کرد در تلویزیون رخ داده است. یعنی از یک طرف می‌بینیم که در سریال «نون خ» رفتارهای صمیمانه و بی‌کینه این قوم به نمایش درآمده و حتی در تیتراژ این مجموعه هم زیبایی‌های حیرت‌انگیز مناطق کردنشین ایران به تصویر کشیده شده و از طرفی هم در سوران بحث سیاسی و انقلابی کردستان به نمایش درآمده است.

همچنین می‌توان در سریال‌ها هم به موضوعاتی مثل کولبرها و مشکلات آنها در آن مناطق پرداخت و هم پیشرفت‌ها و اتفاقات مثبت را دید. همچنان که در بلوچستان نیز در کنار همه خلل‌ها و مشکلات اما طی چهاردهه اخیر، فعالیت‌های بزرگ عمرانی و رفاهی برای مردم انجام شده است که باید اینها در رسانه معرفی شود. یعنی نباید اجازه داد که جریان‌های ضدملی، تصویری یکجانبه از اقوام و اقلیم‌های ایران ارائه دهند.

سوران، یک نقطه عطف در بازنمایی قوم کرد و استان کردستان است. این سریال با نمایش مظلومیت مردم آن منطقه در مواجهه با گروهک‌های ضدانقلاب و تروریستی همچون کومله دیده شد و مخالف هیاهوی رسانه‌های بیگانه که سعی داشته‌اند کرد را به همین چند گروهک محدود کنند، عمل کرد و تصویر واقعی قوم کرد که بسیار خونگرم، اصیل و مهمان‌نواز هستند را نمایش داد.

از این رو باید مطالبه کرد تا هم تولید آثار مشابه درباره قوم کرد بیشتر شود و هم این‌که درباره سایر اقوام ایرانی نیز این‌گونه آثار تولید شود. این‌گونه نشان داده می‌شود که ایران چقدر رنگ‌های زیبا از اقوام دارد و کمک می‌کند تا بدانیم چطور این رنگین‌کمان، استوار باقی مانده است. آمیختن شبکه‌های سراسری با اقوام، به پربارترشدن ویترین رسانه ملی منجر می‌شود.

سعید مستغاثی، منتقد و مستندساز مطرح کرد

مایه‌های نمایشی راهپیمایی اربعین



باز هم غرب آسیا محل رخ دادن تجمعی است که بزرگ‌ترین گردهمایی انسانی تاریخ محسوب می‌شود. پیاده‌روی اربعین این روزها مهم‌ترین رخداد خبری دنیاست اما رسانه‌های غالب به‌دلیل تضاد منافع‌شان آن را تحریم کرده‌اند. آنچه کمتر به آن توجه‌شده‌است،تولیدآثارنمایشی -به‌ویژه سریال تلویزیونی- درباره راهپیمایی اربعین است.

سعید مستغاثی، منتقد و مستندساز، نظرش درباره نسبت هنرهای نمایشی و به‌ویژه مجموعه‌های تلویزیونی با پیاده‌روی اربعین را چنین بیان می‌کند: راهپیمایی اربعین یکی از حیرت‌انگیزترین پدیده‌های جهانی از نظر رسانه‌ای است. به همین دلیل هم برخی خبرنگاران مستقل تحت‌تأثیر آن قرار گرفته‌اند. به‌طور مثال، حدود ۱۰ سال قبل روزنامه هافینگتون پست تیتر زده بود میلیون‌ها نفر در یک‌سوی جهان راهپیمایی می‌کنند اما آیا در دیگر نقاط جهان، کسی از آن خبر دارد؟ این روزنامه نوشته بود که اگر ۱۰۰ نفر در تبت راهپیمایی کنند بازتاب پیدا می‌کند اما این تجمع میلیونی که بدون حمایت لجستیکی دولت‌ها برگزار می‌شود و همه ابعادش مردمی است، ازسوی خیلی از رسانه‌های وابسته به غرب، نادیده گرفته می‌شود. این درحالی است که این تجمع در گینس به‌عنوان بزرگ‌ترین تجمع انسانی ثبت شده و یک نوع پیش‌زمینه آخرالزمان است؛ چون به‌نوعی اعلام حضور سربازان امام زمان(عج) محسوب می‌شود.

اما نکته مهم این است که راهپیمایی اربعین پر از جنبه‌های دراماتیک است؛ چقدر شخصیت‌ها و ماجراهای جذاب و کم‌نظیر در دل این راهپیمایی وجود دارد که قابلیت تبدیل شدن به آثار نمایشی را دارند. بی‌اغراق نیست اگر از نظر کمی بگوییم این راهپیمایی ده‌ها و حتی شاید صدها برابر کل تاریخ سینما موضوع داشته باشد. اما در مقابل این گنجینه عظیم و این اقیانوس موضوع و درام و شخصیت و عناصر نمایشی که می‌تواند بر پرده سینما یا صفحه تلویزیون بنشیند، فقط به تولید چند مستند بسنده شده است! یعنی ما به اندازه یک پلان در فیلم یا سریالی از این راهپیمایی ندیده‌ایم! این باعث شرمندگی است و یک علامت سؤال بزرگ است. این درحالی است که راهپیمایی اربعین یک رویداد شگفت‌انگیز است، همان‌طور که هرکس هیچ نسبتی با معماری هم نداشته باشد اما وقتی زیر گنبد مسجد شیخ لطف‌ا... قرار بگیرد از آن همه شکوه و زیبایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، این پدیده هم چنین حالتی دارد، یعنی یک اتفاق یکتا و بی‌نظیر است؛ یک اجتماع متحرک که دو سه هفته در ده‌ها کیلومتر رخ می‌دهد. یکی از اتفاقاتی که از این راهپیمایی در ذهنم مانده، تکه‌فیلمی است از یک مرد خمیده‌قامت که با حالت دو در حال رفتن بود و حتی به دوربین هم اعتنا نمی‌کرد و می‌گفت: «امام حسین(ع) من را دعوت کرده و باید بروم!» چرا چنین صحنه‌هایی نباید در فیلم‌های سینمایی یا سریال‌های تلویزیونی ما بروز و ظهور داشته باشد؟

اگر کسی نابینا هم باشد این همه زیبایی و شگفتی با چشم دل قابل درک است. اصلا نیاز نیست یک هنرمند خودش را به‌سختی بیندازد. هر ذره از راهپیمایی اربعین مایه درام است

راهپیمایی اربعین، یک پدیده مردمی ایرانی-اسلامی، هویتی ریشه‌ای است که همه ما با آن بزرگ شدیم؛ کربلا و امام حسین(ع) در خون و پی و روح ماست. اما چرا این موضوع اعتقادی و ریشه‌ای، هیچ بازتابی در آثار نمایشی ما ندارد؟ مخالفان این حرکت، ارزش و قدرت آن را می‌دانند و به همین دلیل هم آن را بایکوت خبری و رسانه‌ای می‌کنند اما چرا هنرمندان ما این حرکت را نادیده گرفته‌اند؟ قصه‌های دراماتیک براساس واقعیت‌ها شکل می‌گیرد؛ به‌طور مثال در همین واقعه تروریستی شاهچراغ، یک عکس از بچه‌ای که در حال کمک به فردی است که آسیب دیده و بر زمین افتاده، ایده تولید یک اثر شده است. هزاران مورد از چنین اتفاقاتی در راهپیمایی اربعین رخ می‌دهد. اگر هم یک فرد خودش به آنجا نرفته باشد، گوشه‌هایی از چنین ماجراهای دراماتیکی در مستندهای تولید شده درباره پیاده‌روی اربعین موجود است. مگر کسی نابینا باشد که چنین موضوعات سرشار از زیبایی را در این حادثه نبیند. حتی اگر کسی نابینا هم باشد این همه زیبایی و شگفتی با چشم دل قابل درک است. اصلا نیاز نیست یک هنرمند خودش را به‌سختی بیندازد. هر ذره از راهپیمایی اربعین مایه درام است. برنامه‌های گفت‌وگومحور درباره راهپیمایی اربعین خوب است اما اساس رسانه‌ای مثل تلویزیون، تصویر و نمایش است. به همین دلیل هم رهبر انقلاب بارها تاکید کرده‌اند که درباره چنین موضوعاتی باید کار هنری کرد. هرچقدر هم صحبت و خاطره گفته شود و مصاحبه شود، تا زمانی که در قالب نمایش ثبت نشود، مأموریت انجام نشده است؛ ضمن این‌که با کار نمایشی درباره چنین موضوعاتی می‌توان برای تلویزیون جاذبه ایجاد کرد.

